

	دریچه	
---------------	--------------	---------------

جشنواره «اسلم‌دنس» فیلمی از ایران را پذیرفت

● فیلم سینمایی «کشتن خواجه» به نویسندگی و کارگردانی عبدآبست در بخش مسابقه بیست‌وششمین دوره جشنواره «اسلم‌دنس» (SLAMDANCE) آمریکا به رقابت با دیگر آثار این فستیوال می‌پردازد. این جشنواره از ۲۰ تا ۳۰ ژانویه ۲۰۲۲ (۱ تا ۱۱ بهمن ۱۴۰۰) در ایالت یوتا آمریکا در شهر پارک‌سیتی برگزار می‌شود. برای اولین بار در تاریخ ۲۸ساله این جشنواره، یک فیلم بلند ایرانی برای حضور در این فستیوال انتخاب شده است. در بخش مسابقه با نام «رهایی» (Breakout) تنها شش فیلم از ایران، آمریکا، آلمان، استرالیا و کانادا حضور دارند، این آثار برای به‌دست‌آوردن جایزه بهترین فیلم با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. فستیوال «اسلم‌دنس» رقیب سنتی فستیوال «ساندنس» است. هر دو این جشنواره‌ها در یک زمان برگزار شده و محل برپایی آنها در شهر پارک‌سیتی روبه‌روی یکدیگر و در یک خیابان است. این جشنواره کاشف کارگردان‌های ناسادری در صنعت سینماست که فیلم‌های آنها برای اولین بار در این فستیوال به نمایش درآمده‌اند، از میان این فیلم‌سازان می‌توان به «کریستوفر نولان»، «برادران روسو»، «آری آستر» و «یون جونگ هو» اشاره کرد. فستیوال «اسلم‌دنس» سومین حضور بین‌المللی «کشتن خواجه» در سه هفته گذشته پس از «شب‌های سیاه تالین» و «گوآ» است. شهزاد سیفی تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده دارد. ابراهیم عزیزلی، وحید راد، میناق زارع، ایمان نسیم، سارا محمدی و مه‌سیما کبیری بازیگران این فیلم هستند. «کشتن خواجه» داستان یک قاتل زنجیره‌ای را روایت می‌کند. این فیلم محصول شرکت «هیچ‌فیلم» است و پخش و فروش بین‌المللی آن را محمد اطیابی در کمپانی «مستقل‌های ایرانی» برعهده دارد.

مؤسسه فیلم آمریکا بهترین‌های سال ۲۰۲۱ را انتخاب کرد

● مؤسسه فیلم آمریکا با اهدای جوایز سال ۲۰۲۱ از فیلم‌های پل توماس آندرسون، جین کمپبون، جونل کونن، کری‌یو مدل‌تورو، لین مانوئل میراندا و دنی ویلنوو تجلیل کرد. در این میان تنلیکس با فیلم‌های «به بالا نگاه نکن» ساخته آدام مک‌کی، «قدرت سک» ساخته جین کمپبون و «تیک، تک… بوم!» ساخته میراند بیشرترین جوایز را به خود اختصاص داد. اپل و کمپانی برادران وارنر هم دو جایزه بردند. اپل برای «کودک» فیلمی از شین مدر و «ترازدی مکیت» سه‌باری جونل کونن این جوایز را دریافت کرد. برادران وارنر هم برای «تل‌ماسه» از دنی ویلنوو و «شاه ریچارد» ساخته راینالد مارکوس گرین این موفقیت را کسب کرد. فیلم‌های موفق بعدی کم «کوچه کاپوس» ساخته لیدلتورو و «استان و سوسائید» از استیون اسپیلبرگ و «لیکوپریک بیتن» از پل توماس آندرسون هستند. کنت برانز نیز با «بلفاست» جایزه ویژه مؤسسه فیلم آمریکا را برد زیرا فیلم‌های تولید بین‌المللی در فهرست ۱۰ فیلم برتر سال جای نمی‌گیرند. در سال‌های پیش هم فیلم‌هایی چون «روما» و «اتکل» به همین ترتیب تجلیل شده بودند. سال پیش از ۱۰ فیلم برتر سال به انتخاب مؤسسه فیلم آمریکا فیلم در فهرست بهترین فیلم‌های اسکار جای گرفتند. در بخش تلویزیونی نیز شبکه اچی‌وی او با کسب چهار جایزه موفق‌ترین شبکه سال شد و برای «هکس»، «مرز از ایست‌تاون»، «جانشین» و «لوتوس سفید» در فهرست بهترین‌ها جای گرفت. اپل توی هم با برنامه موزیکال «شمیکادون!» و کمدی «تد لاسون» در فهرست جای گرفت و آمازون پرایم ویدیو با «راه‌آهن زیرزمینی» این موفقیت را کسب کرد. تنلیکس، افایکس و دیزنی نیز هر یک جایگاهی را به خود اختصاص دادند که برای «خدمتکار»، «سگ‌های انباری» و «واندا ویزن» بود. در بخش تلویزیونی نیز از «بازی مرکب» و «ناستارن روح» تجلیل ویژه شد. جوایز بردگان در مراسم که ۷ ژانویه در لس‌آنجلس برگزار می‌شود اهدا خواهد شد. مؤسسه فیلم آمریکا از سال ۲۰۰۰ هر سال برترین‌های سینمایی و تلویزیونی را که از نظر فرهنگی و هنری مؤثر بوده‌اند، معرفی می‌کند.

پالم اسپرینگز فیلم‌های ۲۰۲۲ را معرفی کرد

● جشنواره فیلم پالم‌اسپرنگز که از ۷ ژانویه ۲۰۲۲ شروع به کار می‌کند کار خود را با نمایش فیلم «دبون وارویک» به مراد رانن، آغاز می‌کند. این فیلم مستندی درباره زندگی یک خواننده سیاه‌پوست و فعالیت‌های اجتماعی وی است. این جشنواره که نمایش ۱۲۹ فیلم از ۷۰ کشور دنیا را در برنامه دارد، کار خود را با نمایش «دوک» به کارگردانی راجر میشل فرید به پایان می‌برد. جیم بردبنت و هلن میرن از بازیگران این فیلم هستند و موضوع فیلم درباره تلاش برای سرفقت از کالری ملی لندن است. امسال ۳۶ فیلم این جشنواره از میان فیلم‌هایی انتخاب شده‌اند که از کشورهای مختلف برای رقابت بین‌المللی اسکار نودوپهارم معرفی شده‌اند. اصغر فرهادی نیز با فیلم «قهرمان» در این میان جای دارد. «فرار»، «ماشین من را بزن»، «دست خدا» و «بره» دیگر فیلم‌های حاضر از این دست هستند. جین کمپبون با فیلم «قدرت سگ»، جنیفر هادسون با فیلم «احترام»، کریستن استوارت با فیلم «اسپنسر»، کلایفتون کلایزن با فیلم «جوگی» و ویلیام مونهان فیلم‌نامهنویس با فیلم «تندر بار» و اندرو گارفیلد با فیلم «تیک، تک… بوم!» نیز در برنامه‌های جانبی جشنواره شرکت دارند.

همین یکی، دو سال پیش بود که در سکوت خبری رسانه‌های داخل، یک هنرمند جوان ایرانی به‌همراه گروهش برنده معتبرترین جایزه موسیقی جهان شد. کسی که همانند بسیاری از نخبگان کشور به ناچار برای یافتن فرصت‌های بیشتر راهی غربت شد تا در آنجا شرایط تازه را تجربه کند. او که تا پیش از مهاجرت، سال‌ها برای رادیو و تلویزیون کار کرده بود و حتی برای گروه‌های تواشیح آهنگ ساخته بود پس از مدت‌ها تردید بالاخره تصمیم به ترک وطن گرفت تا در نهایت ساکن کالیفرنیا شود. درست در همسایگی هالیوود، شاید به این خاطر که آنجا یک گروه آماده بود تا با او همکاری کند و او را برای یافتن موقعیت‌های تازه باری کند. نامش حمید سعیدی است. سال‌هاست او را می‌شناسم. همه کسانی که او را از نزدیک می‌شناسند می‌دانند که فرد آرام و دلپذیری است. خیلی اهل حرف‌زدن نیست. بیشتر با سازش، «ستور» حرف می‌زند تا با آدم‌ها! سرش به کار تصنیف‌کردن است تا وقت‌گذرانی با

اختلاف ساعت ما با هم زیاد است. یازده‌وونیم ساعت. این اختلاف مانع شادایی ما در حین گفت‌وگو نیست. از او می‌خواهم برای مخاطبان از خودش و گذشته‌اش بگوید. از خانواده‌اش، شکل‌گیری علاقه‌اش، کشیده‌شدنش به موسیقی و فراگیری ساز تخصصی‌اش ستور. می‌گوید: در یک خانواده معمولی شهرستانی به دنیا آمدم. خانواده‌ای از طبقه متوسط که مثل هر خانواده‌ای دوست داشتند فرزندشان بهترین تحصیلات را بکند و بهترین موقعیت شغلی را به دست آورد. اما گویا من آنچه را پدر در آرزویش بود بر هم زدم و راهی را رفتم که به نظر من آثار از ندای درونم بود. البته که در آن سنین خردسالی و کودکی این را که چه ندایی از درون مرا به خود می‌خواند نمی‌فهمیدم. اما همیشه می‌دانستم چیزی از درون، مرا به سوی موسیقی می‌خواند. نیرویی که بعدها بیشتر شد و سراسر عمر همراه من آمد تا به اینجا که حالا همه زندگی مرا دربر گرفته است. یادم هست، برای نخستین بار وقتی در ۱۲سالگی به خانواده گفتم که دوست دارم ساز بزنم همه مخالفت کردند اما من، با پولی که از عیدی‌هایم جمع کرده بودم به بهارستان رفتم و در آنجا به توصیه زنده‌یاد آقای بخشی فروشنده ساز، یک تیبک خریدم. چون معتقد بودم برای فراگیری ریتم بهتر است ابتدا تیبک یاد بگیرم. درست می‌گفت و این سرازگار ورود من به دنیای پر رمز و راز موسیقی بود که هنوز از فردای آن هیچ تصویری نداشتم. هر چه بود اتفاق خوشایندی بود. اتفاقی که به شکل‌گیری مسیر زندگی هنری‌ام بسیار کمک کرد. بعدها با پاول پس‌اندازم و کمک مادرم موفق شدم نخستین سنتور زندگی‌ام را تهیه کنم. سنتور ساز مورد علاقه‌ام بود. خیلی طول نکشید که با این ساز وارد کلاس‌های موسیقی شدم تا جدی‌تر فراگیری موسیقی ایرانی را نزد معلمان و استادان مختلف دنبال کنم. در مراحل جدی‌تر ساخت کلاس‌های استاد «وارثان ساهاکیان» در آژورم تا

از او موسیقی کلاسیک غرب و آهنگ‌سازی را فراگیرم کرد. استاد ساهاکیان مهم‌ترین استاد زندگی‌ام شد. او بود که مرا با جهان موسیقی آشنا کرد و این شد که با او زندگی‌ام شکلی هدقمند گرفت. حالا در این سال‌ها به سنین جوانی رسیدم‌ام و قصد دارم تا تجربه‌ای‌ام را آغاز کنم. همین استاد ساهاکیان است که به این شهادت می‌دهد که به پیشواز یک تجربه بزرگ برای خود را در معرض آزمون آهنگ‌سازی برای یک پروژه تصویری قرار دهم. پروژه‌ای که خود او سبب شد تا به من پیشنهاد شود. می‌گویم: اما گویا این دوران فراگیری با استاد دیگری ادامه پیدا کرد. کسی که سویی دیگر موسیقی را به تو آموزش داد. درباره استاد دیگری بگو.

می‌گوید: دومین استاد بزرگ من، استاد فرهاد فخرالدینی بود. کسی که با او دریچه‌های دیگر دنیای موسیقی به روی من گشوده شد. بهتر است همین‌جا اشاره کنم. زمانی که به نزد استاد ساهاکیان می‌رفتم دیگر توانسته بودم خودم را با تدریس سنتور تأمین کنم و آموزشگاه کوچک موسیقی خودم را راه‌اندازی کنم. در آن موقع ۱۸ساله بود و توانسته بودم به دانشگاه آزاد راه پیدا کنم. در رشته شیمی پذیرفته شده بودم. مثل خیلی از دانشجویان ایرانی اتفاقی از سر ناگزیری بود. برای داشتن یک مدرک تحصیلی و یا نظردهی به یک زندگی که باید حتماً تخصصیات عالی‌همراه باشد. در همین دوران است که من دومین مستندسازی را تجربه می‌کنم. این بار برای یک مجموعه مستند که قرار بود، تلویزیون پخش شود. مجموعه‌ای که به سفارش سازمان حج و زیارت ساخته شده بود. از نظر خودم تجربه گرانبهایی چون قرار بود با پخش این مجموعه از تلویزیون، من به عنوان یک آهنگ‌ساز معرفی شوم در حالی که هنوز ۱۹سالم بیشتر نبود. با پول آن کار، توانستم دستگاه‌های الکترونیک مورد نیازم را بخرم تا مستودی شخصی‌ام را تجهیز کنم. همه اینها برای حرفه‌ای‌ترشدن من سبیری بود که برگزیده بودم، یعنی آهنگ‌سازی.

از آن زمان به بعد کار آهنگ‌سازی را به شکل جدی‌تر دنبال کردم، ضمن اینکه دانش خودم را هم با حضور در کلاس‌های استاد فرهاد فخرالدینی افزایش می‌دادم. بعد از آن دیگر فقط تجربه‌اندوزی نبود. مطالعه آواز و آزمون و خطا در راهی که برگزیده بودم. این روند حتی تا زمانی که برای بار دوم وارد دانشگاه شدم و تا فارغ‌التحصیلی‌ام در رشته موسیقی ادامه داشت. حتی بعدتر، چون با همه وجود باور داشتم می‌توانم در زمینه‌هایی نوآوری کنم و من توانوری به آزمون و خطا نیاز داشت. یا می‌گیرد یا نمی‌گیرد و من ترسی از این آزمون و خطا نداشتم. به همین خاطر است که توانستم با اینجا برسم. شاید اگر این مسیر نبود، الان من هم مثل بسیاری هنوز در همان چرخه بسته راه‌های تجربه‌شده دیگران درجا می‌زدم و هرگز به پیش نمی‌رفتم. راه دشواری را برگزیده بودم. راهی پرسرکلاخ که دو سويه داشت؛ یا در آن موفق می‌شدم و رستگار می‌شدم یا در آن شکست می‌خوردم و سقوط می‌کردم. اما عزمم از جزم کرده بودم که رستگار شوم.

گفت‌وگوی مهرداد حجتی با حمید سعیدی، برنده جایزه «گرمی»

ایران من، درون من است، درون سینه‌ام!

این و آن. وقتی صحبت از گفت‌وگو شد ترجیحش این بود که طرف گفت‌وگویش من باشم تا دیگری. این طور راحت‌تر بود.

وقتی شروع کردیم او از کودکی و خانواده‌اش گفت. از دوران مدرسه تیزهوشان و نخستین آهنگی که در همان دوران برای تئاتر مدرسه ساخت و در آن نواخت. از سخت‌گیری و نگرانی پدرش. از همراهی و پشتیبانی مادرش. از خریدن نخستین سازش. از آموزشگاه موسیقی و فراگیری علمی‌اش. از آشنایی‌اش با «ساهاکیان» و «فخرالدینی». دو استاد تأثیرگذارش. او از بسیاری چیزها گفت و نکفت. اما هر چه بود این گفت‌وگو، سفری شد با یک دوست که از ایران آغاز شد و در دوردست‌ها، در آن سوی اقیانوس‌ها به پایان رسید. سفری آمیخته با رؤیا و واقعیت، چیزی از همان جنس موسیقی که او می‌سازد و با آن زندگی می‌کند. دنیایی که چندان دور از ما نیست. دنیایی که شاید با شنیدن قطعه‌ای از آن بتوان به آن راه یافت.

می‌پرسم: و برای این رستگاری چه کردی؟ آیا قرار بود از چیزهایی بگذری و بسیاری چیزهای گران‌بها را پشت سر بگذاری تا به مقصد برسی؟ می‌گوید: راستش این طوری به موضوع نگاه نکرده بودم. طبیعی است که هرکس برای رسیدن به مطلوبش باید از چیزهایی بگذرد و من هم گذشتم؛ اما تا آن موقع هنوز مقدری راه باقی بود. من باید تجربه بیشتری کسب می‌کردم و برای این کار چندان به حرف این و آن توجه نشان نمی‌دادم. به همین خاطر وقتی وارد رادیو شدم تا در آنجا رسماً به شکل حرفه‌ای کار کنم، از هر پیشنهادی استقبال می‌کردم. از ساخت آهنگ برای برنامه‌های مختلف تا تواشیح. تعجب نکنید، من حمید سعیدی برای گروه‌های تواشیح ده‌ها آهنگ ساختم و اعتراف می‌کنم که این آهنگ‌ها را با علاقه بسیار ساختم. چون که از این تجربه بسیار می‌آمختم. آهنگ‌سازی برای تواشیح را پذیرفتم چون هیچ آهنگ‌سازی این کار را نمی‌پذیرفت. این برای من و در آن زمان یک چالش بزرگ بود. چالشی که مرا برای آرزوهای بزرگی که در سر داشتم، پخته‌تر و تواناتر می‌کرد. البته در کنار تواشیح، برای فیلم و سریال هم آهنگ می‌ساختم. سر مسابای شلوغ شده بود. جوانی و انگیزه زیاد من را خیلی جلو می‌برد. به گمانم در دوران پرکاری، بیش از ۳۵ اثر ساختم از موسیقی برای فیلم مستند تا فیلم بلند داستانی، سریال و تئاتر. فراگیری هرزمان موسیقی کلاسیک غرب و موسیقی ایرانی من را به دنیایی کشاند که تا امروز از آن رهایی نیافته‌ام. دنیایی که با درآمدت‌شده شدن این دو موسیقی در من شکل گرفت و تجربه‌های من را رقم زد. موقعیتی که مرا به روی بزرگ‌ترین صحنه موسیقی جهان برد و مهم‌ترین جایزه را در دستمان گذاشت. وسوسه کشف و شهود در این دنیای جادویی، هیچ‌گاه رهایم نکرد. اینکه بخواهم تجربه‌ای از جنسی دیگر را امتحان کنم. اما همیشه خاطر بود که سر از بیونان در آوردم!

می‌پرسم: بیونان؟ مگر قرار بود آنجا چه اتفاقی بیفتد؟ شاید هیچ اتفاقی و شاید به آغاز بسیاری از اتفاق‌ها که شخصیت هنری من را قرار بود شکل دهد. دوره‌ای آموزشی را آنجا گذراندم که خیلی‌س به‌کار آمد. در کنارش تدریس سنتور و اجراهای متعدد با نوازندگان و موسیقی‌دانان مختلف به حرفه‌ای‌ترشدن بسیار کمک کرد. پس از آن بارها و بارها در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ به یونان و کشورهای دیگر اروپا سفر کردم و بر تجاریم افزودم و این بنیاد مقدمه‌ای بود برای مهاجرت طولانی به خارج از کشور.

می‌پرسم: چه زود به این نقطه رسیدی! چه اتفاقی افتاده بود که به مهاجرت فکر کردی؟ این یک تصمیم از پیش گرفته‌شده نبود. یک روند بود که من را به این نقطه رساند. من با پیش از آن هرگز حتی به آن فکر هم نکرده بودم. البته که به کنسرت و اجرای برنامه در خارج همیشه فکر می‌کردم. اما جلای وطن، هرگز. شرایط مرا رفته‌رفته به خارج هدایت می‌کرد. مدتی بود که قرار داده‌ای من به مشکل می‌خورد. کسی که عادت کرده بود بمدام کار کند و فرصت سر خازندان نداشت. حالا مدت‌ها می‌شد که هیچ سفارشی به او داده نمی‌شد. سفارش‌های پیشین هم یک به یک در مرحله قرارداد به مشکل می‌خورند. انتهایی را هم که ساخته بودم و تحویل داده بودم، با من تسویه نمی‌کردند. مدام می‌شود و می‌شود و مرا از این سو به آن سو می‌فرود پاس می‌دادند تا از پیکیری دلسرد کنند. شرایط ناخوشایندی بود. با همه این احوال باز هم تا آن زمان هنوز به خروج همیشگی از کشور فکر نکرده بودم، چون با این باور بزرگ شده بودم که اگر قرار است هر اتفاق مهمی برای من بیفتد، آن اتفاق در همین خاک باید بیفتد. به همین خاطر هنوز رویاهایم را در همین کشور و در درون مرزها جست‌وجو می‌کردم. با دوستانم کنسرت برگزار می‌کردم و برای این و آن آهنگ می‌ساختم و این‌چنین دل‌خوش‌های خودم را دنبال می‌کردم. دلخوشی‌هایی که من را به سرزمین مادری‌ام متصل نگه می‌داشت. مثل هم‌صحبتی با دوستانی که آن همه سال دوستانم می‌داشتم و با آنها با طراوت بسیاری داشتم. خیابان‌ها، مدرسه‌ای که می‌رفتم، خانواده‌ام و بستگانم. همه و همه به من می‌گفتند که جایب آنجاست. تو به اینجا تعلق داری، نرو. اما از سوی دیگر مانع‌ترشی‌های دولتی، و سنگ‌اندازی‌های مداوم من را به‌سوی در خروج سوق می‌داد. گویا دیگر قرار نبود جای من میان آن همه هنرمندی باشد که داشتند برای رادیو و تلویزیون و سینما کار می‌کردند. من باید تصمیم می‌گرفتم، میان ماندن و درج‌ازدن یا رفتن و از نوساختن. در سال ۲۰۰۹ تصمیم گرفتم بروم.

می‌پرسم: گفتنش در حد چند کلمه آسان است. اما انجامش بسیار سخت است. خودش یک پروسه است. قصد ندارم بی‌رسم این پروسه چگونه طی شد. اما برایم جالب است که بفهمم چطور سر از آمریکا در آوردی؟ می‌گوید: داشتم شرایط تحصیل را در ایرلند بررسی می‌کردم. برای این کشورها برنامه یادت باش! می‌گوید: فکر نمی‌کردم آن برنامه یادت باش! می‌گوید: چطور می‌شود از یادم بسرد؟ آن یکی از خاطرات خوب زندگی‌ام بود. تو برایم سنگ تمام گذاشتی. تازه از آن موقع هیچ‌کدام از این اتفاق‌های بزرگ در زندگی‌ام اتفاق افتاد و من از این بی‌نقشاده بودم.

می‌پرسم: قدری از این تلاش‌ها بگو. می‌گوید: در موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس، موزیک ویدیوی مائتی مدیایی را که سال‌ها قبیل در ایران بر روی تصاویری از نقش فرش‌های ایرانی ساخته بوم دیده بودند. کاری که این فرصت را یافتم تا در تئاتر خودم برای آن صحنه اجرا کنم. مدیر موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس، برای افتتاح نمایشگاه فرش‌های نفیس ایرانی از من دعوت کرد که آن تجربه را تکرار کنم. پذیرفتم اما به این شرط که اثر دیگری با همان مضمون بسازم. این کسرت-نمایش که آلبوم صوتی آن در ایران با نام گروه‌های خیالی منتشر شد. پای من را به انجمن آهنگ‌سازان لس‌آنجلس، گروهی از اهالی سینما و تئاتر این شهر باز کرد. به یاد دارم که روز معرفی و سخنرانی من با ترنت رزنور (Trent Reznor) که همان سال برای فیلم شبکه اجتماعی (سوشال تورک) اسکار موسیقی گرفته بود در یک روز اتفاق افتاد و من از این اتفاق به خودم می‌بالیدم. اگر به خاطر داشته باشی شما برای نسخه اولیه کار که «آواتیک» نام داشت و در سال ۸۴ روی صحنه اصلی تئاتر شهر اجرا شد، مهربانانه من را به برنامه تلویزیونی خودت در جام جم دعوت کردی.

می‌گوید: فکر نمی‌کردم آن برنامه یادت باش! می‌گوید: چطور می‌شود از یادم بسرد؟ آن یکی از خاطرات خوب زندگی‌ام بود. تو برایم سنگ تمام گذاشتی. تازه از آن موقع هیچ‌کدام از این اتفاق‌های بزرگ در زندگی‌ام اتفاق افتاد و من از این بی‌نقشاده بودم. می‌گویم: حرفت یادت نرود. از موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس می‌گفتی. از دیده‌شدن آن کلیپ و شنیده‌شدن موسیقی تأثیرگذار آن. می‌گوید: بله، آنها مرا دعوت کردند تا برای‌شان کاری بسازم و این یک فرصت بود. آنها کار من را پس‌ندیده بودند. شاید همین توجه آنها مرا به سوی کریایش می‌گرداند.



حمید سعیدی در جشنواره فیلم آمریکا

تازه‌ام سوق داد. اینکه نباید از ریشه‌هایم فاصله بگیرم. بلکه باید آنها را با آنچه اینجاست در آمیزم و جهانی نو بیافرینم. جهانی از نت و موسیقی که بن‌مایه‌اش را از ریشه‌های فرهنگ سرزمین‌مان می‌گیرد. به نظر من جهان امروز تشنه شنیدن چنین نواهایی است به شرطی که هنرمند بتواند برای گوش جهانیان ترجمه‌اش کند و نسخه درست و قابل فهمی از آنها ارائه دهد. احساس و فضای موسیقایی که از درون جهان اندیشه و فلسفه شرقی و با مولانا و حافظ حکایت دارد به گوش بسیاری از مخاطبان غربی خوش می‌آیند و انگار که ندایی از درون،همواره مرا به اجرا و ساخت این نوع موسیقی فرا می‌خواند.

می‌گویم: برگردیم به دامه حرف‌مان، گفتی نخستین آلبوم شما «اویوم مون» این شناسن را پیدا کرد تا وارد رقابت با دیگر آثار شود و در نهایت هم برگزیده شود. آیا تو نخستین ایرانی برنده جایزه گرمی در قالب گروهی آن هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟

می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: در مدت دوسالی که از دریافت این جایزه می‌گذرد بارها و بارها این سؤال از من شده و من هم خیلی صریح به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌ها، در این سیظمنت تبلیغاتی موفق هم بوده‌اند اما هستی؟ یا اینکه پیش از تو ایرانی دیگری هم این جایزه را دریافت کرده است؟ می‌گویم: برگردیم به آن پاسخ دادم. بله من نخستین ایرانی دریافت‌کننده این جایزدم. متأسفانه در چند سال گذشته چندین هنرمند خود را برنده این جایزه اعلام کرده‌اند که به دلیل کمبود آگاهی در جامعه و عدم بررسی و حقیقت‌یابی رسانه‌